

تحلیل شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی با تأکید بر حقوق ایران و افغانستان

سید حسن مبارز^۱

چکیده

نظام مسئولیت مدنی به عنوان ابزار جبران خسارت در پی آن است که با طراحی مکانیسم جبران خسارت‌ها، عدالت را در جامعه نهادینه سازد. براین پایه است که در نظام‌های مسئولیت مدنی، اصل لزوم جبران به عنوان یکی از اصول پراهمیت مطرح است. برپایه اصل مزبور، زیان‌زندگان باید خسارت وارده به دیگران را جبران نمایند تا از این رهگذر وضعیت زیان دیده به پیش از ایراد خسارت بازگردد. خسارت‌های دارای گونه‌های گوناگون است که انواع مختلف آنها، شیوه‌های متناسب با خود را می‌طلبند؛ از این رو چگونگی جبران برای تأمین هدف مزبور بسیار مهم است. در این پژوهش تلاش خواهد شد که با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، شیوه‌های جبران خسارت‌ها مورد بحث گیرد و شیوه مناسب ارائه شود. پژوهش بیانگر آن است که می‌توان با تمسک به شیوه‌های گوناگونی اقدام به جبران خسارت نمود؛ مانند شیوه جبران عینی، قیمی مثل و غیره که بررسی می‌گردد.

کلید واژه ها : خسارت مادی، خسارت معنوی، مثل، قیمی.

^۱. دانشجویی دکتری حقوق خصوصی (mobarez_abt@yahoo.com)

قواعد و مقررات حقوقی با همه اقسام آن در راستای تأمین امنیت جامعه و تحقق عدالت اجتماعی طرح ریزی شده است وقتی امنیت و عدالت در جامعه گسترش یابند، مقدمات رشد و سعادت انسان فراهم می شود انسان بهتر می تواند به راه رشد و تکامل خویش ادامه دهد و در نتیجه به سعادت واقعی نایل آید. عدالت خواهی حقیقت نهفته در درون انسان می باشد، که همواره او را به تکاپو و تلاش وادار می کند. طرح و وضع قواعد و مقررات در راستای پاسخ گوی به همین فطرت الهی می باشد. مسئولیت مدنی یکی از ابعاد عدالت اجتماعی هست، هر کسی باعث ورود ضرر به دیگر شود باید خسارت های وارده را جبران نماید. عامل زیان مسئول همه خسارت های است که به طرف وارد نموده است، هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند، نه تنها خسارت های وارده شده کاملاً جبران شود بلکه اثرات و تبعات آن نیز از زیان دیده رفع شود، مسئولیت مدنی همه انواع خسارت را دربر می گیرد چه آن خسارت مادی باشد و چه معنوی، عامل زیان آن خسارت های را که اشخاص دیگر از ورود ضرر به زیان دیده متحمل شده اند، نیز باید جبران کند. اگر اشخاص تحت حمایت زیان دیده باشند و از وقوع ضرر متأثر شده باشند وارد کننده ضرر مسئول می باشد و زیان دیدگان را به وضعیت قبل از وقوع خسارت بر گرداند. بحث مسئولیت مدنی از اهمیت بالا برخوردار است، از طرفی عامل زیان را مجبور می کند، خسارت های وارده را جبران کند و زیان دیدگان به شرایط قبل از وقوع خسارت برگرداند و از طرف دیگر مسئولیت پذیر می شود، در رفتار و تعاملش با اطرافیان و جامعه بازنگری کند، در عمل محتاط می شود دست از سهل انگاری بر می دارد. در واقع مسئولیت مدنی جامعه را به سمت مسئولیت پذیری و احترام به حقوق دیگران سوق می دهد.

شیوه های جبران خسارت یکی از مطالب مهم در بحث مسئولیت مدنی می باشد، اگر شیوه های جبران خسارت رعایت شود زیان دیدگان بهتر می توانند به وضعیت قبل از ورود خسارت برگردند.

شیوه‌های جبران در تحقق عدالت میان عامل زیان و متضررین به قاضی کمک شایان می‌کند نوشتار حاضر شیوه‌های جبران خسارت را مورد پژوهش قراردادده است و تلاش نموده است پاسخ‌های سوالات زیر را درآورد:

شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی چیست؟ طریقه جبران خسارت‌های مادی چگونه است؟

آیا خسارت‌های معنوی قابل جبران هست؟ اگر پاسخ مثبت است طریقه جبران آن چگونه می‌باشد.

۱. مفاهیم

در مرحله اول با مفاهیم مرتبط با این تحقیق آشنا شویم پس وارد مرحله اصلی بحث خواهیم شد الفاظ پرکاربرد در این مقاله عبارتند از خسارت، خسارت مادی، خسارت معنوی، مثلی و قیمی.

۱-۱. مفهوم شناسی خسارت

خسارت در لغت به معنای زیان، ضرر، نقصان، کاستی، از دست دادن و گم شدن، گمراه شدن، خلاف نفع و سود می‌باشد (دهخدا، ماده خسارت)

در عرف نیز به همین معانی استعمال می‌شود

دکتر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق دو معنا برای خسارت بیان نموده است: الف) مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود ب) زیان وارده شده

در این تحقیق معنای دوم مورد نظر می‌باشد و ضابطه‌ی تشخیص خسارت عرف است (دکتر سلطانی نژاد، ۵۲۱) خسارت مادی عبارت است از خسارتی که به بدن شخص یا دارایی او وارد شده باشد مانند جراحت وارد و شکستن پنجره «دکتر لنگرودی، همان» خسارت معنوی را چنین تعریف نموده است، ضرری که متوجه حیثیت و شرافت و آبروی شخص یا بستگان او که بالنتیجه متوجه او شده باشد، گردد «همان»

۲-۱. مفهوم شناسی مثلی و قیمی بودن

معنای مثلی: منسوب به مثل است و دکتر دهخدا چنین تعریف نموده است: «چیزی که مثل آن بدون تفاوت مهم در اجزایش در بازار یافت شود، مانند چیزهای وزن کردنی و پیمودنی و شمردنی های نزدیک به هم همچون گردوی» (دکتر دهخدا، ماده مثل)

معنای قیمی: منسوب به قیمت در برابر مثلی می باشد یعنی غیر مثلی «همان» فقها تعریف های متفاوت برای مثلی بیان نموده اند. بعضی مثلی را چنین تعریف نموده است: مثلی چیزی است که اجزای آن مساوی باشد و از جهت صفات نزدیک باشند» بعضی دیگر چنین بیان فرموده است: مثلی آن است که در اجزا و منفعت مساوی باشد و از حیث صفات نزدیک باشد اما تعریف مشهور از مثل چنین است که «مثلی آن است که اجزایش از نظر قیمت مساوی باشد و مقصود از اجزای چیزی است که اسم ماهیت بر آن صادق باشد». شیخ انصاری: ج ۳ ص ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۰۹»

با این وجود، در قانون مدنی این تعریف ها منعکس نشده است. قانون مدنی عرف را معیار تشخیص مثلی از قیمی معرفی نموده است، در ماده ۹۵۰ قانون مدنی در باره تعریف مثلی چنین آمده است: مثلی مالی است که اشباه و نظایر آن نوعا زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحوه آن، قیمی مقابل آن است معذلك تشخیص این معنا با عرف می باشد. هر تعریفی را برای مثلی بیان کنیم، قیمی مقابل آن می باشد.

۲-۲. مفهوم شناسی خسارت مادی

به دستور ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد؛ اما دادرس نمی تواند از این اختیار وسیع بدون در نظر داشت قواعدی که در قانون مقرر شده است تجاوز نماید، لذا نخست باید نوع ضرر را بررسی نماید

ضرر بر دو قسم است، ضرر مالی و ضرر معنوی نحوه جبران خسارت در هر دو متفاوت است ما اول ضرر مادی را مورد بررسی قرار می دهیم سپس به طریق جبران خسارت معنوی می پردازیم در

قدم اول سزاوار است تعریفی از ضرر مادی ارائه دهیم به دنبال آن انواع ضرر مادی و طریقه جبران هریک را مورد ارزیابی قرار می دهیم مفهوم خسارت و ضرر در اذهان عامه مردم روشن و واضح می باشد: هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه ای وارد آید، می گویند ضرر به بار آمده است «کاتوزیان: ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۴۲» و مقصود از ضرر مالی، زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان (مانند سوختن خانه و کشتن حیوان) یا کاهش ارزش اموال (مانند احداث کارخانه ی که از بهای املاک مجاور بکاهد) «همان»

بنابراین از دست رفتن مال اعم از عین یا منفعت یا حقی که ارزش مالی داشته باشد، مشمول ضرر مالی است، جبران خسارت زیان دیده به دو نحو صورت می گیرد:

الف) بازگرداندن عین مال در جبران مسئولیت مدنی باید ضرر وارد شده چنان تدارک شود که گویی از اصل زیان وارد نیامده است «همان، ص ۵۳۴» در مورد که عین مال تلف نشده باشد اگرچند از دایره بحث مسئولیت مدنی خارج است اما چون این فرع با مسئله مربوط به جبران خسارت ارتباط نزدیک دارد و کمتر به صورت مستقل مطرح می شود لذا بی مورد نیست که در بحث شیوه های جبران خسارت این فرع نیز بیان شود «همان، ص ۵۳۶» با دستور ماده ۳۱۱ قانون مدنی اگر عین مالی وجود داشته باشد و امکان داشته باشد غاصب باید عین مال را به مالک بدهد و نمی تواند مالک را به گرفتن عوض مجبور کند و در مقابل نیز مالک حق ندارد غاصب را ملزم به پرداختن مال دیگر و یا قیمت کند، حتی اگر قیمت تنزل کرده باشد مالک جز عین مستحق چیزی دیگر نیست اما در صورتی که غاصب و مالک بر مال دیگر توافق نمایند در واقع قرارداد و تعهد جدید به وجود می آید و موضوع تغییر پیدا می کند در ادامه این بحث منافع تلف شده عین قابل طرح است.

آیا غاصب مکلف است در زمان تصرف بر عین عوض منافع آن را به مالک بپردازد؟

در پاسخ به این سوال باید افزود اگر عین دارای منفعت باشد چه غاصب از منافع آن استفاده کرده باشد و چه مانع جلوگیری آن شده باشد در هر صورت باید عوض منفعت های تلف شده را به مالک

بپردازد چون اتلاف منفعت مانند اتلاف مال است و چون مثل آن را نمی توان به متضرر تأدیه نماید قیمت آن را مرتکب باید بپردازد «امامی، ج ۱، ص ۶۲۱» یکی دیگر از فروع این مسئله غصب باید عوض نقص و عیب را که بر مال وارد می شود، بپردازد طبق ماده ۳۱۵ قانون مدنی، «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد» غاصب باید علاوه بر آن که عین مال مغضوب را در هر وضعیتی که هست به مالک ارجاع نماید عوض نقص و عیب آن، باید تفاوت قیمت مال مغضوب قبل از نقص و عیب و بعد از آن را نیز به مالک بپردازد «امامی، ج ۱، ص ۳۶۷» ب)

۳. شیوه های جبران خسارت

۳-۱. لزوم جبران ضرر از راه دادن بدل

در موارد که عین مال را تلف نموده است و یا اینکه امکان رد عین مال وجود ندارد اگر چند عین از میان نرفته است جهت جبران خسارت راه های پیش بینی شده است. در این روش ها تلاش بر این نکته متمرکز است که خسارت به صورت کامل جبران شود و زیان دیده احساس نماید که وضعیت به صورت پیشین برگشته است و هیچ تغییری در موقعیت او پیش نیامده است.

این طور جبران خسارت به پرداختن بدل و معادل، امکان پذیر می باشد و باید معادل آنچه زیان دیده از دست داده است به او برگرداند و زیان دیده را موقعیت قرار بدهد که گویا فعل زیان بار در اموالش انجام نگرفته است و اگر عامل زیان، مرتکب اقدام زیان بار نمی شد، او هم اکنون در آن موقعیت قرار می داشت و این در صورت ممکن است که اگر آن مال مثلی بوده است مثل را پرداخت کند و اگر قیمی بوده است قیمت مال تلف شده را به مالک بدهد.

۳-۲. جبران خسارت از راه دادن مثل

در صورتی که مال تلف شده مثلی باشد، مسئول جبران خسارت باید مثل آن را به مالک بدهد اگر چند در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی آمده است که دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را

باتوجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، اما دادرس نمی تواند با اختیارات وسیع که از مفاد این ماده به او می سپارد بدون توجه به اصل عدالت و بدون در نظر داشت سایر قواعدی که در قانون آمده است تجاوز نماید و قانونگذار در موارد متعدد بر این نکته تأکید داشته است. اگر مال تلف شده مثلی است باید مثل آن را به مالک بدهد.

در ماده ۳۱۱ قانون مدنی آمده است « غاصب باید مال مغضوب را عینا به صاحب آن رد نماید، و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد، و اگر به علت دیگر رد سمین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد و از این ماده در ابتدای نظر چنین برداشت می شود که غاصب در انتخاب مثل یا قیمت مختارن و آزاد است اما با توجه به مفاد مواد ۳۱۲ و ۳۲۹ این برداشت درست نمی باشد و از مفاد این دو ماده به خوبی روشن و واضح می شود که حق انتخاب با غاصب نیست، در ماده ۳۱۲ آمده است که: « هرگاه مال مغضوب، مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود قیمت آن را بدهد» و این ماده به صورت شفاف دلالت دارد که، اگر مال تلف شده مثلی باشد مسئول جبران خسارت مثل آن را باید تهیه نماید. اگرچند قیمت آن خیلی افزایش یافته باشد و در مقابل مالک نیز حق ندارد قیمت را از او مطالبه نماید اما اگر هر دو بر سر قیمت اتفاق کنند این یک قرارداد جدید به حساب می آید و از موضوع بحث خارج می شود. و نویسندگان حقوق مدنی و اکثریت قاطع فقهای امامیه بر تقدم مثل بر قیمت اگر مال تلف شده مثلی باشد، اتفاق نظر دارد «دکتر کاتوزیان، ص ۵۴۱» اما فلسفه تقدم مثل بر قیمت چیست؟ آیا تقدم مثل بر قیمت با اصل عدالت اجتماعی بیشتر سازگار است؟ آیا پرداختن مثل بهتر می تواند موقعیت مالک را به صورت اول برگردان؟ دکتر کاتوزیان در این مورد چنین می نویسد: «فلسفه تقدم مثل بر قیمت این است که تسلیم مثل مال تلف شده بهتر می تواند وضع مالک را به صورت نخست در آورد و زحمت یافتن و خرید مال تلف شده نیز بر او تحمیل نمی شود وانگهی با اندکی مسامحه می تواند دادن مثل را وسیله بازگرداندن وضع پیشین زیان دیده شمرد و آن را در زمره ی تمهیدهای جبران عینی خسارت آورد» (همان، ص ۵۴۱) اما به موجب ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و آسانی اجرای حکم در موردی که موضوع آن پرداخت پول است زیاندیدگان را تشویق به گرفتن پول به جای مثل می کند و هر دو طرفین جبران خسارت به صورت

پول راضی به نظر می آید و لذا در عمل حکم به داند مثل مال تلف شده کمتر صادر می شود و رویه قضایی متمایل بر این است که دادن پول را رفته رفته جانشین تعهد مربوط به تهیه مثل نماید «همان، ص ۵۴۲» در فقه بعضی ها تمایل نموده اند که پرداختن مثل برای ارفاق به مالک است پس اگر او از مثل بگذرد و تقاضای قیمت کند تلف کننده باید قیمت را بدهد «شیخ محمد حسن نجفی، ج ۳۷، ص ۹۲» این نظر می تواند رویه قضای را توجیه نماید چون معیار حق مالک است وقتی مالک از حق خویش بگذرد، دیگر اشکالی جهت تبدیل به پول وجود ندارد. این مطالب در مورد مطرح است که مثل وجود داشته باشد و برای تهیه مثل مشکلی نباشد. اگر تهیه نمودن مثل متعذر باشد یا اینکه مثل پیدا می شود اما چند برابر قیمت واقعی یا اینکه مثل قیمت خود را از دست داده است و از قیمت افتاده است چه باید کرد؟ این مباحث فروعاً موضوع بحث ما می باشد که باید پاسخ این سوال ها را در آورد :

الف. تعذر مثل

سوال چنین طرح می شود که : هنگام اجرای حکم مثل مال تلف شده در بازار پیدا نشود چه باید کرد آیا مثل تبدیل به قیمت می شود ؟ یا اینکه مالک باید صبر نماید تا اینکه مثل در بازار پیدا شود؟ جهت پاسخ گویی به این سوال باید اول علت نایابی مثل بررسی شود، اگر مثل کلاً نایاب شود و در زمره اموال قیمی درآمده باشد با توجه به مفاد ماد ۳۱۲ قانون مدنی مثل تبدیل به قیمت می شود «دکتر کاتوزیان، ج ۵۴۳» اما اگر موقتاً مثل در بازار نایاب شود و دسترسی به آن امکان نداشته باشد آیا در این صورت نیز مثل مورد قبل تبدیل به قیمت می شود، یا اینکه مالک حق دارد قیمت را مطالبه کند؟ قانون در این مورد ابهام دارد. با مراجعه به فقه روشن می شود که در این مورد مالک می تواند منتظر بماند تا مثل پیدا شود، غاصب نمی تواند او را به گرفتن قیمت وادار نماید «شیخ انصاری، ج ۳، ص ۳» به هر صورت اگر وارد کننده زیان، محکوم به پرداختن قیمت شد، این پرسش مطرح می شود که، معیار قیمت چیست؟ قیمت چه زمان را باید پرداخت نماید؟ قیمت زمان تلف یا زمان حکم به پرداختن قیمت از سوی دادگاه، قیمت زمان پرداخت؟ یا اینکه بالاترین قیمت را از زمان تلف تا زمان پرداخت به زیان دیده، پردازد؟ فقها پاسخ های متعدد را بیان نموده اند

«همان، ص» امان قانون مدنی معیار وضابطه را زمان پرداخت پیش بینی نموده است. در ماده ۳۱۲ قانون مدنی آمده است که: «هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین ادا را بدهد»

ب. افزایش قیمت مثل

پرسش دیگر مطرح می شود که: اگر مثل در بازار پیدا شود اما قیمت آن خیلی بیشتر از قیمت واقعی باشد در این صورت نیز وارد کننده زیان باید مثل را تهیه کند هرچند پول بیشتری برای آن پردازد؟ یا اینکه همان قیمت واقعی را به مالک پرداخت کند و با توجه به چند برابری قیمت، حکم به تعذر مثل می شود، حکم این صورت هم مانند آن موردی می شود که اصلاً مثل پیدا نشود؟ قانون مدنی در این صورت صراحت ندارد، در ابتدای نظر از ماده ۳۱۲ قانون مدنی چنین بر می آید که: وارد کننده زیان باید مثل را در صورت امکان تهیه نماید، هرچند برای فراهم نمودن آن، چند برابر پول پردازد، اما با در نظر داشت لزوم مراجعه به فتوای مشهور در فقه امامیه در صورت ابهام قانون، باید علت افزایش قیمت را بررسی نمود اگر افزایش قیمت در بازار اتفاق افتاده است و قیمت بازار بالا رفته است، در این صورت باید مثل را تهیه نماید، چون قیمت واقعی در بازار افزایش یافته است. اما اگر علت افزایش بازار نباشد بلکه چون مثل در بازار کم یاب است و به صورت وافر پیدا نمی شود و کسی که مثل در دست او می باشد، چند برابر قیمت می فروشد و راضی به قیمت واقعی نمی شود با اینکه اگر در بازار پیدا می شد قیمت آن خیلی مناسب می بود در این صورت وادار نمودن تلف کننده به تهیه مثل خلاف انصاف و عدالت اجتماعی می باشد یا مالک باید صبر نماید تا آن جنس به صورت وافر در بازار پیدا شود یا اینکه قیمت واقعی را قبول نماید، چون وادار نمودن عامل زیان به تهیه مثل با پرداخت چند برابر قیمت واقعی ضرر بر او می باشد، ضرر در اسلام به هر نحو که باشد منتفی می باشد» (شیخ انصاری، ج ۳، ص ۲۲۳).

ج. کاهش قیمت مثل یا بی ارزش شدن آن

مسئله دیگر از فروع موضوع بحث، افتادن مثل از قیمت است اگر در زمان اجرای حکم به دادن مثل به مالک مثل از قیمت افتاده باشد، یعنی ارزش مالی خودش از دست داده باشد در بازار قیمت نداشته باشد آیا در این صورت عامل زیان با دادن مثل بری الذمه می شود؟ یا اینصورت به حکم تعذر مثل می باشد و تبدیل به قیمت می شود؟ به طور مسلم دادن مثل کفایت نمی کند چون مالیت و ارزش ندارد بحث در باره قیمت است قیمت چه زمان را پرداخت کند؟ قانون مدنی آخرین قیمت را معتبر دانسته است در ماده ۳۱۲ قانون مدنی آمده است که: «... و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آن را بدهد اما با توجه به اینکه آخرین قیمت به طور مسلم کمترین قیمت است این عادلانه و منصفانه نیست، چون عامل زیان در زمانی این مال را از مالک سلب نموده است که قیمت مثل بیشتر بوده است لذا برای جبران این بی عدالتی باید راهکاری دیگر پیدا نمود واردکننده زیان باید قیمت زمان تصرف را پرداخت کند یا بالاترین قیمت را به مالک بدهد» (دکتر کاتوزیان، ج ۱ ص ۵۴۴)

۳-۳. جبران خسارت از رهگذر پرداخت قیمت

در صورت که مال تلف شده قیمی باشد عامل زیان باید قیمت را به مالک بدهد بحث قیمت از چند جهت حایز اهمیت می باشد اولاً پرداختن پول شایع ترین وسیله جبران خسارت است «همان، ص ۵۴۵» ثانیاً تمایل رویه قضایی بر این است که خسارت به پول ارزیابی شود، دادگاه تأدیه آن را مقرر دارد، ثالثاً: امروزه قیمت اشیا به دلایل گوناگون ثابت نمی باشد، دائماً در حال تغییر و تبدیل می باشد، همواره قیمت ها دچار نوسانات است، به ندرت اتفاق می افتد که قیمت چیزی مدت چند ماه چه برسد به سال ثابت بماند خصوصاً افزایش تورم و تحریم های ظالمانه اقتصادی بر این مورد سرعت بیشتر بخشیده است لذا این سوال که قیمت چه زمان ملاک است؟ بسیار پرسش مهم می باشد و جای بحث دارد با توجه که در قانون به صراحت نیامده است معیار قیمت زمان تلف می باشد یا قیمت زمان حکم دادگاه یا قیمت زمان پرداخت؟ آقای دکتر امامی قیمت زمان تلف را

معیار دانسته است و چنین می نویسد: در صورتیکه مال تلف شده قیمی باشد قیمت آن را در زمان تلف تقویم نموده و به مالک آن داده خواهد شد، اگرچه در زمان تأدیه چندین برابر ترقی و یا تنزل نموده باشد «دکتر حسن امامی، ج ۱، ص ۴۱۰» به نظر می رسد این پاسخ با در نظر گرفتن مشکلات بیان شده در بسیار از موارد ناعادلانه باشد، زیرا با افزایش تورم امکان ندارد با قیمت زمان تلف همان جنس را تهیه نمود و این خلاف عدالت اجتماعی است این حکم بر خلاف روح قانون می باشد که برای حمایت از زیاندیدگان به تصویب رسیده است مخصوصاً اگر عامل زیان به عمد خسارت وراد کرده باشد، یا عدواناً بر مال مسلط شده باشد که در فقه طبق فتوای بعضی ها باید بالاترین قیمت را به مالک بدهد.

چرا در مورد مثلی اگر متعذر باشد قیمت زمان پرداخت معتبر است اما در قیمی قیمت زمان تلف؟ این پاسخ که در مثلی تا پرداخت نکرده است مسئول پرداخت مثل می باشد اما در قیمی همان زمانی که تلف کرده قیمت در ذمه عامل زیان می آید، کافی نیست چون وارد کننده زیان مسئول ارزش مالی آن نیز می باشد، چطور در صورت افتادن مثل از قیمت چون ارزش مالی خودش را از دست داده بود تبدیل به قیمت می شد.

اما در قیمی وقتی ارزش مال پایین می آید قابل جبران نیست؟ لذا این بحثی مهم است باید مورد توجه قرار گیرد و از عهده این تحقیق خارج می باشد فقها به این موضوع پرداختند و دادگاه می تواند با توجه به قضیه شخصیه حکمی را صادر نماید که با عدالت سازگار باشد و از طرفی مبتنی بر نظر فقه باشد.

آقای دکتر کاتوزیان بر همین مطلب توجه نموده است و چنین می نویسد: دینی که در اثر حادثه زیانبار به عهدی مسئول آن قرار می گیرد، تعهد به ارزش است نه به پول، زیرا هدف از مسئولیت جبران خسارت است نه افزودن مبلغی پول بر دارایی زیان دیده، به همین جهت است که تحول و تغییر میزان واقعی خسارت در مقدار پول معادل آن مؤثر است، همچنان که تغییر ارزش پول و قدرت خرید آن در ایجاد این معادله اثر دارد.» «کاتوزیان: ج ۱، ص ۵۴۹»

۴. جبران خسارت معنوی

جبران ضرر و خسارت منحصر به ضرر مادی نیست امروز جبران خسارت در ضررهای معنوی از هر زمان دیگر بیشتر احساس می شود لذا رغم اشکالات عدیده که به قابل جبران بودن خسارات معنوی از طرف دانشمندان حقوق مطرح شده است، در قانون مورد پذیرش و قبول قرار گرفته است. در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی آمده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخص یا خانوادگی او لطمه وارد می شود، می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید گرچه درخصوص شیوه های جبران خسارت و راههای عملی آن نصوص صریح و قابل اجرای نداریم» (افشار: ۱۳۹۴، ص ۱۱۷). خسارات معنوی به طور کامل قابل جبران نیست، آیا معنویات را می توان با معیارهای مادی ارزیابی کرد؟ رغم از دست رفتن فرزند برای مادر چقدر ارزش مالی دارد؟ بنابر این هدف از صدور حکم به پرداخت های مال در زیان های معنوی تأمین خرسندی های معنوی و تسکین آلام روحی است به بیان دیگر پولی که از این بابت داده می شود جبران کننده نیست، خشنود کننده است» (پروین: ۱۳۷۹، ص ۱۷۷).

اما سوال اساسی این است که شیوه جبران خسارت معنوی چگونه می باشد؟ برای دریافت پاسخ صحیح باید نوع خسارت معنوی مورد بررسی قرار بگیرد باید ارزیابی شود که چطور زیان دیده به حیثیت قبل از ورود ضرر بر می گردد از همین جهت در قانون مدنی نحوه جبران خسارت معنوی را با توجه به اوضاع و احوال به نظر قاضی موکل نموده است.

چون انواع مختلف خسارت معنوی به یک شیوه قابل جبران نیست، در هر مورد برحسب نوع زیان شرایط انتخاب می شود. زیان دیده و عامل زیان، اوضاع و احوال حاکم بر پرونده و عوامل دیگر شیوه ی جبران خسارت بوسیله دادگاه «سلطانی نژاد: ۱۳۸۰، ص ۳۱۵» با توجه به مطالب فوق شیوه جبران خسارت به یکی از این شکلهای صورت می گیرد:

۱- اعاده ی وضع یا بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت پیش از وقوع خسارت؛

۲- پرداخت غرامت یا جبران خسارت از راه دادن معادل؛

۳- خسارت اسمی؛

۱- جبران خسارت از طریق اعاده وضع.

برگرداندن زیان دیده به وضعیت قبل از وارد شدن خسارت به طوریکه هیچ اثری از خسارت وارد شده باقی نماند، بهترین و کامل ترین روش جبران خسارت می باشد چه در خسارت های مادی و چه در خسارت های معنوی اما در خارج به ندرت اتفاق می افتد که شرایط زیان‌دیده به وضعیت سابق به صورت کامل برگردد و هیچ اثری از زیان در او باقی نماند، مخصوصاً در خسارت های معنوی برگرداندن به شرایط قبل با مشکلات بیشتری روبرو می باشد. به هر حال این روش بهترین نوع جبران خسارت می باشد و دادگاه می توان برای جبران خسارت این شیوه را انتخاب کند به عنوان مثال هرگاه در اثر حادثه ی یکی از اعضا مصدوم قطع یا دچار جراحت شود و یا در اثر ضربه وارده چشم یا بینی یا شکل ظاهری (دندان یا چهره یک زن تغییر یابد) در صورت که امکان معالجه کامل و پیوند عضو یا ترمیم چشم و بینی یا اصلاح ساختار بدنی و یا ترمیم چهره زن وجود داشته باشد، جبران واقعی خسارت به این است که حکم به معالجه یا ترمیم داده شود، پولی که عامل زیان می پردازد به عنوان معادل یا جبران کننده زیان باقیمانده نیست بلکه به منظور معالجه یا جراحی و ترمیم عضو بدن فرد و بازگرداندن او به حالت پیشین است یا در صورتی که بر شخصی از طریق آگهی یا انتشار مطلب در روزنامه توهین شود، تکذیب مطلب عنوان شده از همان طریق و یا عذرخواهی و یا در تمجید زیان‌دیده سخن گفتن و اعاده ی حیثیت می تواند اعاده ی وضع محسوب شود.» همان

ف ۳۱۸»

۴-۱. پرداخت غرامت یا جبران از راه دادن معادل

لازمه‌ی مسئولیت مدنی واردکننده زیان برگرداندن زیاننده به شرایط قبل از وقوع خسارت می‌باشد اما با توجه به عدم امکان اعاده‌ی وضعیت در بسیاری از موارد شیوه‌ی دیگری را برای جبران نسبی یا ناقص برگزیده‌اند، پرداخت غرامت یا دادن پول یا هر نوع مال دیگر و یا انجام فعل و یا ترک فعلی که به داوری عرف جایگزین مناسب و عادلانه‌ی برای خسارت وارده شیوه مناسب است برای تسلی خاطر زیاننده. این روش از دو طریق امکان دارد:

الف. از طریق مالی: از آنجای که تعیین میزان خسارت و طریقه و کیفیت جبران آن بر حسب اوضاع و احوال به نوع زیان، وضعیت طرفین، شرایط مکان و زمان برعهده دادگاه است بر حسب مورد با رعایت اوضاع و احوال دادگاه می‌تواند عامل خسارت معنوی را محکوم به پرداخت مبلغ معین پول به طور نقدی یا به صورت قسط یا مال معین دیگر اعم از عین و منفعت، نماید. در تقویم خسارت معنوی به امور مالی باید ملاکهای گوناگونی چون نوع، میزان و شدت خسارت، نقش خسارت دیده، عامل خسارت و شخصیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی طرفین مورد توجه قرار گیرد «همان، ۳۲۰»

ب. جبران از طریق غیرمالی یا معنوی: در مواردی نوع خسارت وارده و شرایط زیاننده یا عامل خسارت اقتضا می‌کند که جبران آنها به طریق غیرمالی باشد، حکم به عذرخواهی ممکن است در مورد انتشار مطالب خلاف واقع و یا استهزاء شخصی، وسیله‌ی برای جبران نسبی خسارت یا تشفی خاطر و تسکین زیان دیده باشد «همان، ۳۲۱».

۴-۲. روش خسارت رسمی یا نمادین

هرگاه خسارت وارد شده غیر قابل جبران باشد و یا میزان ضرر قابل توجه نباشد و یا زیان وارده قابل اثبات نباشد و یا این که زیاننده لطمه‌های وارده بر حیثیت و اعتبار خویش را نخواهد با اعطای معادل مالی جبران کند، دادگاه حکم به جبران خسارت رسمی یا نمادین صادر می‌کند، در این روش زیاننده به دنبال جبران ضرر و زیان معنوی نیست بلکه صرفاً پیروزی بر فاعل زیانکار را جستجو می‌کند «افشار: ۱۳۹۴، ۱۸۵».

نتیجه گیری

شیوه های جبران خسارت در مسئولیت مدنی بسیار مهم است از طرفی قاضی را به رسیدن به عدالت میان عامل زیان و زیان‌دیده کمک می کند، از طرف دیگر به برگشتن زیان‌دیده به شرایط قبل از وقوع ضرر مؤثر است، نوشتار حاضر شیوه های جبران خسارت را بعد از بیان مفاهیم و توضیح اصطلاحات مربوطه به دو بخش تقسیم نموده است در بخش اول شیوه های جبران خسار مادی را مورد بررسی قرار داده است در بخش دیگر روش های جبران خسارت معنوی را ارزیابی نموده است.

در بحث جبران خسارت مادی به این نتایج دست یافته است که : قاضی در قدم اول بررسی نماید مال تلف شده مثلی است یا قیمی اگر مثلی است مثل آن در بازار یافت می شود یا خیر؟ اگر مثلی باشد و مثل آن در بازار پیدا شود وارد کنند ضرر باید مثل آن را به مالک بدهد اما اگر مال تلف شده مثلی باشد و مثل آن در بازار پیدا نشود یا اینکه مثل در بازار یافت می شود اما از قیمت افتاده باشد در صورت اول عامل زیان قیمت زمان پرداخت را به مالک بدهد و در صورت دوم آخرین قیمت مثل را به مالک پرداخت کند. اما اگر مال تلف شده قیمی باشد عامل زیان قیمت آن را به مالک بدهد، اما اینکه قیمت چه زمان را پردازد بحث مفصل وجود دارد. نتایج بدست آمده در بخش دوم: عامل زیان در قدم اول تلاش نماید زیان‌دیده را به وضعیت قبل از وقوع خسارت برگرداند مثل مورد که نیاز به علاج دارد هزینه های درمان را پردازد اما اگر این کار ممکن نباشد از راه دادن معادل جبران نماید، دادگاه با توجه به اوضاع و احوال قضیه، مقدار، کیفیت پرداخت آن را تعیین می کند و در بعضی موارد مثل مورد که زیان معنوی بسیار اندک باشد همین که دادگاه به نفع زیان‌دیده حکم نمود معادل زیان را محکوم کرد این یک نوع جبران به حساب می آید.

فهرست منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲.
۲. امام، حسن، حقوق مدنی، تهران، کتب فروشی اسلامیة، ۱۳۴۰.

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، انتشارات دار الإحیاء التراث العربی.
۴. پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، ققنوس، ۱۳۷۹.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران.
۶. افشار، حسن، مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، مجد، ۱۳۹۴.
۷. سلطانی نژاد، هدایت الله، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، تهران، نورالثقلین، ۱۳۸۰.
۸. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، الزام های خارج از قرارداد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۹. کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، تهران، میزان، چ سوم، ۱۳۸۶؛
۱۰. مکاسب، مرتضی انصاری، قم، مجمع فکر اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. قانون مدنی؛
۱۲. قانون مسئولیت مدنی.